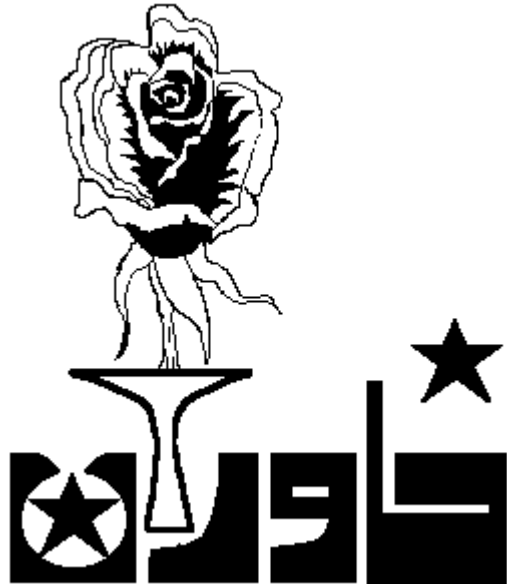




کنفرانس مطبوعاتی خاتمی و رضایت باند ولّائی

روز چهارشنبه ۶ شهریور " محمد خاتمی " رئیس جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس مطبوعاتی در حضور تعدادی از خبرنگاران داخلی و خارجی شرکت کرد. این کنفرانس مطبوعاتی که بعد از دیدار با خامنه ای ولی فقیه و رهبر جمهوری اسلامی و با شرکت تعدادی از اعضای هیئت دولت انجام شد. این سخنرانی، تکراری و کلی گوئی های همیشگی در رابطه با بحران اقتصادی و بیکاری و کرانی و . . . بود ولی موضع گیری وی در رابطه با جریانات درونی رژیم روشنتر بیان گردید. خاتمی در این سخنرانی از عملکرد و کارنامه خود با اشاره به یک سری مشکلات و کمبودها دفاع کرد و عملکرد دولت را موفقیت آمیز خواند. صفحه ۲



جدال جناحهای حاکم و سعی در فریب و انحراف افکار عمومی

سیامک

با اتمام جنگ ضد مردمی و ناعادلانه ای که رژیم از آن به عنوان حربه ای در جهت غلبه و سرپوش نهادن بر بحرانهای سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی بهره می گرفت ، در هراس از اوجگیری نارضایتی عمومی و با طرح برنامه ای که با همکاری طراحان خارجی به مرحله اجرا گذاشته شد دست به مانوری جدید زد و در مرحله نخست با طرح شعار برنامه نوسازی و تمرکز قدرت و بنا به نیازهای بازار جهانی ، توان بیشتری به جناح بورژوازی صنعتی در ترکیب قدرت داده شد به امید اینکه زمینه های همکاری و هماهنگی بیشتر با سرمایه جهانی فراهم شود . صفحه ۴

* * * * *

در این شماره

۵

اخبار و گزارشات داخلی

اقدام جدید رژیم برای رابطه با امریکا

۱۲ ماه زندان و ۵۰ ضربه شلاق برای نوجوان ۱۴ ساله

مجازات حبس برای ۲۰۰ عنوان جرم

۶

اخبار کارگری ایران

تجمع اعتراضی ۱۴۰۰ کارگر در مقابل استانداری کرمانشاه
زد و خوردهای خونین در زورآباد کرج

۴ نفر کشته ۹ نفر زخمی و ۲۰۰ نفر بازداشت

روابط مخفی رژیم سراز زنجیرتانک و نفربر اسرائیل درآورد

در صفحه ۲

من این گلزار را می شناسم

در گورهای دسته جمعی رها می کردند و با مقداری خاک روی آنان را می پوشانیدند. جلادان دریافته بودند که باید قبل از افشای اعدام زندانیان در پیش خانواده ها و افکار عمومی کشتار را به اتمام برسانند و زندانها را از وجود زندانیان سیاسی خالی کنند. یک گور دسته جمعی در خاوران صدا را به خانواده ها رساند گویا گورستان خاوران از بیرحمیهای جمهوری اسلامی تاب نیاورد و دهان باز کرد. چه غوغائی شد، خانواده ها به زندانها هجوم آوردند و عزیزان خود را از دژخیمان خواستند. سفاکان آدرس خاورانها را به آنان دادند ولی در آنجا نه نشانی بود و نه سنگی، بلدوزری بود و زمین شخم زار. شخمزاری که با اشک مادران و فرزندان و عزیزان و خون شهدا آبیاری گردید.

گورستان خاوران در جنوب شرقی تهران در جاده خاوران پشت کلیسای ارامنه و ضلع غربی گورستان کلیمی ها قرار دارد و دژخیمان از سال ۱۳۶۰ آنجا را گورستان کافران نامیدند. کافرانی که در زیر شکنجه جنایکاران مزدور از انسانیت و آزادی و برابری دفاع می کردند. دژخیمان جمهوری اسلامی ایران که دشمنی و عداوت و کینه با کارگران و زحمتکشان در قلبشان بود به زندانی کمونیست می گفتند. چرا از کارگران دفاع می کنی، مگر تو فضول هستی و به تو چه مربوط است که به سر کارگران چه می آید. نوکران سرمایه خوب می دانستند چه باید بکنند و با استفاده از احساسات مذهبی سعی می کردند، کمونیستها را از کارگران و زحمتکشان دور کنند و با کشتار آنان وحشت در دل مردم ایجاد کنند و حتی مرده آنان را نیز بی نام و نشان کنند که مبادا مرده آنان نیز به حرف آید و از جهنم و بهشتی که رژیم اسلامی برایشان ساخته آگاه کنند. وحشت و نفرت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران آنقدر زیاد بود که حتی اجازه نداد در گورستانهای عمومی دفن شوند. که مبادا مردگان دیگر از وحشیگری های رژیم سر به شورش بردارند.

رژیم خانواده های قربانیان را از هر گونه مراسم منع کرد، غافل از این که مگر می شود یاد و خاطره آنان را از عزیزان و دوستان و رهروان گرفت. خاورانها نیز جای امنی برای میثاق رهروان گردید و امروز فریاد رسوائی رژیم از گورستان خاوران بلند شده و با صدای بلند سرود آزادی را می خواند. گلزار خاوران، گلزار کمونیستها و مبارزان گردید. گلزاری که نه تنها صدای خفتگان آن بریده نشد، بلکه تبدیل به صدای رسائی گردید که از آنجا تمام دنیا را به لرزه در آورده و حقانیت مبارزه طبقه کارگر و سایر زحمتکشان را بر علیه سرمایه داری اعلام و عمق جنایات و وحشیگریهای سرمایه داری را با هر شکل روبنائی دینی و غیر دینی، برملا ساخت و حقانیت مبارزه در راه سوسیالیسم و رهائی از استثمار را اعلام کرد.

رژیم جمهوری اسلامی با تمام فشارها به خانواده ها و دوستان برای جلوگیری از دیدار آرمگاه شهدا، نتوانست از تجدید میثاق با خفتگان در گلزار خاوران جلوگیری کند. هر روز که می گذرد، مراسم در گلزار خاوران با شکوه تر بر پا می شود.

* * * * *

**یاد جانباختگان قتل عام زندانیان سیاسی
در سال ۱۳۶۷ گرامی باد**

کنفرانس مطبوعاتی خاتمی و

این مصاحبه از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش گردید و خاتمی از تورم و بیکاری و مسائل سیاسی و جناحی و همچنین از روابط با امریکا سخن گفت. خاتمی برای جلوگیری از سؤالات خبرنگاران سخنان پراکنده ای ایراد کرد بطوری که تعدادی از خبرنگاران به این نشست مطبوعاتی اعتراض نمودند. بعنوان مثال میتوان به اعتراض خبرنگاری اشاره کرد که اعتراض وی مورد عکس العمل رمضان زاده واقع شد.

مصاحبه یا بهتر است گفته شود سخنرانی، به مناسبت هفته دولت از دو جنبه اهمیت داشت که برخورد های مختلفی را از طرف باندهای رژیم بدنبال داشت. از آنجا که جناح دوم خردادی در پراکندگی و تشتت بسر می برد، با این حال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جنبه مشارکت انتظار داشتند خاتمی روشن تر به مسائل اخیر و برخوردهای جناح مقابل جواب دهد و موضع روشنی در مقابل شورای نگهبان و قوه قضائیه دنبال کند. با توجه به رد مصوبات مجلس از طرف شورای نگهبان و بازداشت خبرنگاران و توقیف نشریات و روزنامه های دوم خردادی و همچنین دستگیریها و اعتراف گیری و مصاحبه برخی از منتقدان طرفدار دوم خردادی از طرف قوه قضائیه، انتظار این طیف بر آورده نشد و حمایت بی چون و چرای خاتمی از قانون اساسی و تکرار اینکه من اهل قانون هستم به حرکات شورای نگهبان صحنه گذاشت، و ضمنی جناح دوم خردادی را ترساند و آنها را به عقل گرائی دعوت کرد و با اشاره به اینکه خروج از حاکمیت حرف درستی نیست، گفت: "اگر هر جناحی و جریان بخواهد به هر قیمتی فقط خواست خود را و لو اینکه بر خلاف خواست ملت باشد، تحمیل کند. مطمئن باشیم آنانی که با خواست آن جریان سازگار نیستند، آن را از حاکمیت اخراج خواهند کرد و منتظر خروج آن از حاکمیت نخواهند ماند." تعدادی از افراد این جریان بنا به موقعیت کنونی که خاتمی را بیش از پیش از دست ندهند، به تعریف و تمجید از حرفهای او دست زدند، بطوریکه جلالی پور عضو شورای مرکزی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات دوم خردادی سخنان خاتمی را بسیار مهم توصیف کرد و گفت: "ایشان با تکذیب این خبر که شورای عالی امنیت ملی بحث در باره مذاکره با امریکا را ممنوع کرده است در حقیقت یاب بحث در باره مذاکره با امریکا را باز گذاشت." و همچنین شکوری راد نماینده مجلس شورای اسلامی از تهران با عنوان این مطلب که اظهارات خاتمی نشانه عزمی جدی و جدید برای تغییر روند موجود است گفت: "خاتمی اگر نتواند از قانون اساسی محافظت کند طبیعی است که نسبت به ادامه فعالیتش باید فکر کند."

جناح ولائی که در ارزیابی های خود موفق تر بوده، از سخنان خاتمی استقبال کرد و چهره های شاخص باند ولائی بصورت مشروط اعلام کردند که همه باید از موضعگیری ها و عملکردهای خوب دولت دفاع کنند. مرتضی نبوی مدیر مسئول روزنامه رسالت در گفتگویی گفت: "مشکلی که در سخنان رهبری نیز بر آن تأکید شده است. مایوس کردن مردم نسبت به آینده، دولت و نظام است." وی همچنین گفت: "باید مشخص شود که کدام یک از دستگاه ها در مسیر مطالبات مردم حرکت نمی کنند و این فضا و بستر را برای دولت ایجاد نمی کنند، که با استفاده از همه امکانات و پشتیبانی ها، در جهت پاسخگویی به مطالبات اصلی مردم با الویت پاسخ دهد."

باند دوم خردادی و طرفداران وامانده آن در داخل که تعدادی از اعضا و هواداران آنان در زندان و یا تحت تعقیب قوه قضائیه قرار دارند و همچنین خارج کشوری های رنگا رنگ

اساسی روی کار نیامده است؟". . . . "مگر می خواهد فراتر از قانون اساسی عمل کند؟". . . . "من می گویم "نه" همین قانون اساسی و من بر اساس همین جایگاهی که رئیس جمهوری در قانون اساسی دارد، به عرصه آمدم و با مردم پیمان بستم".

قانون اساسی رژیم که بر پایه و اساس ولایت فقیه و شرع استوار است و رئیس جمهور کارگزار ولی فقیه است و او بدرستی دریافته که باید دستورات خان والا را اجرا نماید. خاتمی حقوقی که برای "امت" قائل می شود فراتر از حقوق مادی و اقتصادی می داند و حقوق اقتصادی و مادی را بسیار ابتدائی می داند و در بیان کار خود آنرا حل شده می داند . از آنجا که مشکلات موجود از قبیل ورشکستگی کارخانجات ، صنایع تولیدی ، خدماتی و بیکاری سرسام آور ، فقر ، گرانی و . . . دغدغه خاتمی نیست و اینها را بسیار کم اهمیت می داند و برای گریز از جواب به آوارگی و فقر مردم از مرزهای مادی گذشته و می گوید: "حقوق مردم شامل حقوق فرهنگی، سیاسی، اجتماعی نیز هست." البته خاتمی در این مسئله بسیار کلی تر حرف می زند و نمی گوید حقوق و نقش مردم در دایره فرهنگ و سیاست و اجتماع چیست وی با بی شرمی می گوید: "انسان ممکن است سیر باشد، ولی ناراضی باشد و ممکن است ، گرسنه باشد ولی راضی باشد".

وی به طرفداران خود می گوید در این محدوده کارهایی که شده قبول کنند و زیاد سر و صدا نکنند و همین قدر که برای خود روزنامه بوجود آوردند و حزب تشکیل دادند و در نمایندگی مجلس و شورا شرکت کردند بس است و مردم را بیش از این به مسائل سیاسی و اجتماعی آلوده نکنند.

خاتمی که خود یک روحانی است و اعتراضات مردمی علیه روحانیت را دریافته و حتی این اعتراض به بخشی از لایه های بالای حکومت نیز رسوخ کرده است، جایگاه روحانیت را در مردم سالاری دینی چنین تعریف می کند: "بعنوان یک روحانی و به عنوان کسی که هم درد مردم داشته ام و هم فکر می کنم درد دین داشته ام، معتقدم در سایه انقلاب اسلامی، پیوند مبارکی میان دین و مردم سالاری پدید آمده است." مهمتر از همه وی با وحشت از سرخوردگی مردم و حرکات اعتراضی و شورشهای پی در پی مردم شهرهای مختلف و اعتراضات کارگری در روزهای اخیر به جناحهای مختلف هشدار می دهد و آنها را از خطری که تمامی وجود رژیم جمهوری اسلامی را گرفته است و از انقلابی که کلیت رژیم را به زباله دان تاریخ خواهد سپرد، می ترساند و می گوید: "همه باید بکوشیم تا مردم دچار یأس نشوند و خدای ناخواسته راه برآورده شدن نیازهای تاریخی خود را در خارج از نظام بجویند." خاتمی درست دریافته است و می داند که زمان برگشت به اوایل بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی و کشتارهای دسته جمعی و لشکر کشی به ملیتهای دیگر بسر آمده و چه بسا موجب از هم پاشیدگی بیشتر شود. می گوید: "این سختگیرها که در دوران جنگ و ترور بود نباید به صورت اصل در آید".

روابط خارجی و برقراری ارتباط سری با آمریکا که در روزهای اخیر موجب درگیریهای باندی شد. برای حل این معضل به طرفداران خود می گوید، بیشتر از این در سیاست خارجی دخالت نکنند و در محدوده سیاستهای کلان رژیم که از طرف خامنه ای و هاشمی تدوین می شود وارد نشوند. وی توضیح می دهد که توانسته چهره سیاسی و دیپلماتیک رژیم را در افکار دولتهای اروپائی تغییردهنده یک رژیم منطقی و معقول درآورد.

ادامه در صفحه ۴

که دل به امید پیشروی خاتمی و دوم خردادی ها در ارگانهای سیاسی داشتند، این موضع گیری آنها را بسیار نگران ساخت و حتی نقادان مثبت آن نتوانستند ناراضایتی خود را کتمان کنند و خاتمی بدون توجه به نگرانی آنان در پرسش خبرنگار روزنامه همشهری گفت: "در زمینه مسائلی که گفتید مانند بسته شدن مطبوعات و محاکمه های خاص، وارد محتوای قضیه نمی شوم، چون من قوه قضائیه نیستم و در مقام داوری قرار ندارم." این تناقض آشکار در گفتار و کردار خاتمی جای بحثی را برای جناح دوم خردادی نمی گذارد و با اعلام اینکه در حد داور نیستم حتی از اعلام نظرات خود نیز طفره می رود و مهر تأیید به احکام قوه قضائیه می گذارد بطوری که می گوید: "کار خلاف قانون اساسی نباید بشود. کسی که قتل نفس کرده، کسی که توطئه و جاسوسی کرده طبق روال عادی اش در قانون باید بررسی شود. اگر روزنامه باید بسته شود، بسته شود اگر باید زندانی شوند، زندانی شوند." این جوابی بود که خاتمی برای منتقدان رژیم داد و شرکت خود را در پرونده سازی های چندین ساله نشان داد. ممکن است در خفا به برادر خود و دیگر هم باندیهای خود بگوید که استثنائی هم داریم شما خیالتان راحت باشد.

خاتمی با مقایسه دوران هاشمی رفسنجانی، مدت زمامداری خود بسیار مثبت ارزیابی کرد و ناشیانه با یک سری آمار متزلزل مطالبی را عنوان کرد که بیشتر باند خامنه ای را از خود راضی نماید. خاتمی فراموش کرده که در زمان انتخابات دوره اول جناح به اصطلاح خط امامی که بعداً دوم خردادی خوانده شد، در خانه هادی خامنه ای چه اتفاقاتی افتاد ، وقتی برای تأیید خاتمی به پیش خامنه ای رفتند و وعده هائی به جناح ولائی دادند و بعد به درگاه هاشمی رفسنجانی رسیدند و به هاشمی قول دادند که سیاست اقتصادی او را که همان سیاست صندوق بین المللی پول بود پیش می برند و دست به ترکیب مهره های هاشمی که هنوز هم در سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی و بسیاری از وزارت خانه های مهم اقتصادی در پستهای خود هستند، نزنند . خاتمی قراردادهای "بای بک" و کاملاً سری را با سرمایه های مالی دنیای امپریالیستی میدانهای نفت و گاز را در اختیار آنان گذاشت و اوراق قرضه در بازارهای بین المللی صادر کرد و مثل هاشمی چنان موقعیت وخیمی برای اوضاع داخلی برقرار کرد که خروج از این بحران بسیار دشوار است. خاتمی همچنین در رابطه با بیکاری ، اعلام ۳ میلیون بیکار و روند رشد یابنده، می گوید : "پیش بینی می کردیم در سالهای برنامه سوم ۷۳۵ هزار نفر بر متقاضیان شغلی افزوده شود، اما به این نتیجه نرسیدیم. با این حال سال گذشته بیش از ۴۰۰ هزار فرصت شغلی ایجاد شد که در تاریخ کشورمان بی سابقه است." حال اگر این فرصت شغلی به عمل رسد یا نه، باید به این شیاد گفت این همه اعتراضات کارگران و خطر بیکاری و اخراج به بهانه ورشکستگی و نبود سرمایه و . . . را در آمار آورده است یا نه و بدون بیان منابع آماری و مراکز بوجود آمده برای جذب متقاضیان کار گزارش اقتصادی را به مجلس حواله داد.

خاتمی که همیشه با الفاظ بازی می کرد این بار مجبور شد در حیطه اختلافات باندی کمی روشنتر سخن بگوید. وی در اوایل ریاست جمهوری خود از مردم سالاری بدون پسوند صحبت می کرد، با گذشت زمان به مردم سالاری دینی تبدیل کرد و همچنین در مورد تغییرات قانون اساسی و بندهای آن می گوید: "گفته می شود مگر رئیس جمهور ی در چارچوب همین قانون

شکنجه و اعدام ملغی باید کرد!

زندانیان سیاسی آزاد باید گردد!

جدال جناحهای حاکم و سعی در فریب**ادامه از صفحه ۱**

مشخصی را دنبال خواهیم کرد . اینکه هر کدام از جناحهای حاکم و طرفداران آنها بنا به گرایشات فکری و منافع طبقاتیشان تعبیری از مفهوم دمکراسی و مقولات اجتماعی ارائه

میدهند مسئله ای تازه نیست و با جملات فریبنده دگر اندیشی و آزادی اندیشه و بیان بزک نخواهد شد و هیچگاه نمی تواند در تناقض با درک عمومی آنها ضرورت حفظ روابط و مناسبات موجود و بسط ستم و استثمار باشد . چرا که تعابیر آنها از این مفاهیم همیشه بر اساس منافع طبقاتی معین و حاکمیت طبقه استثمارگر بوده و هست . تعابیری که زمانی توسط بازرگان ، سحابی و شریعتی و . . . ارائه میشد اکنون توسط جنایتکارانی همانند عبدی ، خلخالی ، نبوی ، جلایی پور و دیگر باصطلاح دمکراتهای جببه دوم خرداد تبلیغ میشود ، در این میان اختلاف و جدال بر سر چگونگی کاربرد اهرمهای تصمیم گیری و اجرایی در جهت فشار و نجات از بحران و نارضایتی عمومی ، فریب و انحراف افکار عمومی و در نهایت سرکوب وحشیانه تر است . آنچه‌ی که در شرایط بحرانی کنونی ، خاتمی و دوم خرداد و اپوزیسیون موافق خارج حکومت بدعت گذار آن شده اند و هر روز سعی در مشغول کردن افکار عمومی به مسائل مورد جدال جناحی و نجات حاکمیت از بحران دارند .

* * * * *

کنفرانس مطبوعاتی خاتمی و رضایت باند ولایت

ادامه از صفحه ۳

رژیم جمهوری اسلامی توانست با پرداخت رشوه های کلان و آوانسهای مختلف و بستن قراردادهای سود آور برای کمپانی های بین المللی کشورهای سرمایه داری غرب و ژاپن و روسیه و تعدادی از کشورهای دیگر را به طرف خود جلب کند و حتی توانست قطعنامه کمیسیون حقوق بشر را به نفع جمهوری اسلامی تغییر دهد و از پیگیری فشارهای بین المللی سازمانهای مدافع حقوق بشر بکاهد. در این زمینه می گوید: "افتخار می کنم به نمایندگی از شما در دنیا چهره منطقی، عاقل، مصمم و در عین حال پایبند به اصول و منافع ملی خود را نشان دادم و امروز جمهوری اسلامی ایران در دنیا محترم است."

خاتمی توانست مشکلاتی که دولتهای اروپائی داشتند از سر راه بردارد و روابط دیپلماتیک و اقتصادی با جمهوری اسلامی توجیه پذیر شود. ولی باید گفت که کشورهای اروپائی در زمان روی کار آمدن هاشمی رفسنجانی برای توجیه افکار داخلی خود او را لیبرال خواندند و با سران کشورهای اروپائی هم ردیف کردند. بعد از ۱۱ سپتامبر با رشد راسیسم و با روی کار آمدن دولتهای راسیستی در بعضی از کشورهای اروپائی و تسلط سیاست تهاجمی و نظامی گری در امریکا نقش افکار عمومی بسیار سست شده و در مجامع بین المللی جایگاه خود را هر چند کوتاه مدت از دست داده است و حالا برنامه ای که در دستور روز دولتهای سرمایه داری غرب قرار گرفته است قدرت و ثبات رژیم جمهوری اسلامی است. که این خود حکایتی جداگانه دارد.

* * * * *

هر چند که با در نظر گرفتن شیوه های تولیدی و روابط و مناسبات خاص حاکم بر تولید و توزیع در ایران و نیاز اساسی آن به تولیدات جهان سرمایه داری طی ۲۴ سال گذشته قدرت سیاسی بطور مطلق نمی تواند در قبضه جناحی از جناحهای حاکم سرمایه داری باشد ، اما همواره نقش اساسی و تعیین کننده در ترکیب قدرت به جناح بورژوازی سنتی ، بازار داده شده و حاکمیت سرمایه داری ایران در تلفیق با عقب مانده ترین روبنای سیاسی ، یعنی جمهوری اسلامی مبتنی بر اصل ولایت مطلقه فقیه شاهد این مدعاست . ترکیب قدرت نتیجه توافقاتی است که جناحهای حاکم در نتیجه شناخت نیازهای روابط و مناسبات تولید و توزیع و حاکمیت به آن دست یافته اند و نمیتواند تا به آخر دست نخورده باقی بماند ، بلکه این شیوه های تولید و توزیع ، اوجگیری بحران و نارضایتی عمومی ، نیازهای سرمایه جهانی و حاکمیت موجود است که ترکیب قدرت در کلیت حاکمیت موجود را مشخص خواهد نمود . بحران آفرینی بمنظور غلبه و سرپوش بر بحرانهای گریبانگیر نظم موجود ، طرح مسائل و بحثهای به ظاهر جدید همانند برقراری دمکراسی و جامعه مدنی و بحثهای پای منقلی در مجلس شورای اسلامی و گوشه و اکناف و در محافل روشنفکری داخل و خارج و موافق حفظ نظم موجود ، صرفنظر از تعبیرات به ظاهر متفاوت از طرف هر یک از جناحها و دسته های وابسته سپیم و خارج حاکمیت تنها می تواند در چهارچوب حفظ نظم و حاکمیت ارتجاعی موجود بررسی گردد که در برهه حاضر نیاز اساسی و حیاتی هر دو جناح حاکم است . اختلاف جناحهای حاکم نه در تعیین وظایف هر جناح در پروسه تولید و توزیع و بسط روابط و مناسبات استثمارگرانه ، بلکه در تعیین تغییرات جزئی در حال حاضر در عرصه روبنایی با در نظر گرفتن شرایط امروزی و نیازهای سرمایه داخلی و خارجی است . پیشرویهها و عقب نشینیهای پی در پی جناح بورژوازی صنعتی ، معروف به اصلاح طلب در مقابل بورژوازی سنتی ، بازار در همین چهارچوب قابل بررسی است . نقش رهبر را بعنوان حلقه اتصال دو جناح بعنوان پیکری واحد بخوبی در گفتار و عملکرد او در تعیین ترکیب قدرت میتوان ارزیابی کرد . اینکه اختلافات به نقطه انفجار و تهدید کل حاکمیت برسد ، تصویری بیش نیست و منشأ عینی ندارد ، چرا که هر دو جناح در پروسه تولید و توزیع و حفظ روابط و مناسبات موجود ، لازم و ملزوم یکدیگرند و با شناخت دقیق از شرایط بر آن واقفند . اینکه در مورد جنگ و جدال کنونی جناحها و با در نظر گرفتن عقب نشینی های پی در پی جناح موسوم به اصلاح طلب در مقابل خامنه ای و جناح رقیب ، بگوییم چاقو هرگز دسته خود را نخواهد برید ، بیپرده نگفته ایم . زمانی خواهیم توانست شناختی دقیق و درست از جدال جناحهای حاکم به دست آوریم که موجودیت و جدال آنها را در حوزه عینی و نه ذهنی مورد بررسی قرار دهیم ، و آنگاه نتیجه گیری عینی و واقعی اتخاذ کنیم . در این صورت است که اسیر ذهنی گرایی نخواهیم شد و وقوع تغییرات سریع ، ظاهری و روبنایی موجب خلع سلاحمان نخواهد شد ، بدنبال شرایط نخواهیم رفت ، بدور از خرده کاری و با اتخاذ تاکتیکهای مستقل و موثر در مراحل مختلف ، استراتژی

مبارز کرد در کردستان ترور شد

اخیراً کمیته مرکزی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران "کومه له" با صدور اطلاعیه ای به حرکات تروریستی جدید رژیم جمهوری اسلامی در کردستان ایران و عراق هشدار داد. در این اطلاعیه آمده است: "جمهوری اسلامی از طریق دستگاه های اطلاعاتی اش در صدد اجرای نقشه های تروریستی جدیدی در کردستان ایران و عراق است. شماری از چهره های شرور و منفوری که مدتی بود، هر کدام به دلایلی خانه نشین شده بودند، مجدداً به کار دعوت شده اند. هیأت مؤتلفه اسلامی با تأیید وزارت اطلاعات رژیم، اقدام به سازمان دادن گروه های ترور در کردستان نموده و این گروه ها عملاً دست به کار شده اند. خانه های مخفی و شکنجه گاه های ویژه، زیر نظر اطلاعات سپاه پاسداران برای تشکیل این گروه ها آماده شده اند. تهدید کردن، ربودن، شکنجه کردن و به قتل رساندن و سپس انکار رسمی آن، برنامه عمل آنها است. وزارت اطلاعات برای آنکه بتواند اطلاعات مورد نیاز این گروه ها را سریع تر نماید و به دست شان برساند، تعداد زیادی خبر چین جدید استخدام کرده است. هدف این پروژه، شکار چهره های شناخته شده و محبوب در میان مردم، تروریزه کردن فضای سیاسی کردستان و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم است."

همچنین در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۰۲ میلادی نمایندگی کومه له در خارج کشور با صدور اطلاعیه ای خبر داد که، روز دوشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۸۱ یکی از اتومبیل های اداره اطلاعات با دو سرنشین، رفیق سیروان را در یکی از خیابان های شهر بانه می ربایند و همراه خود به نقطه نامعلومی منتقل می کنند. دو روز بعد "روز چهارشنبه ۳۰ مرداد" جنازه این مبارز انقلابی در نزدیکی روستای "ترخان آباد" در حالی که بر همه اعضای بدن او آثار شکنجه های وحشیانه دیده می شد، پیدا می شود.

*** **

اقدام جدید رژیم برای رابطه با امریکا

رژیم جمهوری اسلامی ایران بعد از کش و قوس های باندی بالاخره موفق گردید، سیاست خارجی بخصوص مذاکره با امریکا را متمرکز سازد و رویه جدیدی برای ارتباط با امریکا پیش گیرد. جمهوری اسلامی این مأموریت را بعهد جواد ظریف معاون سابق وزارت امور خارجه و سفیر جدید رژیم در سازمان ملل متحد گذاشته است و وی مأموریت دارد با هر سه جناح مؤثر بر سیاست امریکا جریان لابی برقرار کند.

ظریف در دیدار با گروهی از مدیران روزنامه ها در آستانه سفر به نیویورک گفت، هر کاری انجام دهد با صلاحدید مقامات ارشد کشور خواهد بود و بنا بر این بهتر است روزنامه ها از جوسازی و خراب کردن اقدامات او و تیمش خود داری کرده قضاوت های عجولانه نکنند. وی همچنین گفت، یک تکنوکرات است و فقط به دستور رئیس خود تصمیم می گیرد. وی اضافه کرد: "اولاً باید از ایران فقط یک صدا شنیده شود و دوم اینکه نمایندگان مجلس وارد هیچگونه مذاکره و ارتباط و تعادل پیمایی با نمایندگان کنگره امریکا نشوند."

*** **

۱۲ ماه زندان و ۵۰ ضربه شلاق برای نوجوان ۱۴ ساله

ساله

یک نوجوان ۱۴ ساله به اتهام ناسزاگوئی به یکی از سران رژیم به ۱۲ ماه زندان و ۵۰ ضربه شلاق در دادگاه اسلامی محکوم گردید و بدون تقاضای تجدید نظر حکم صادره به مورد اجرا گذاشته شد.

*** **

مجازات حبس برای ۲۰۰ عنوان جرم

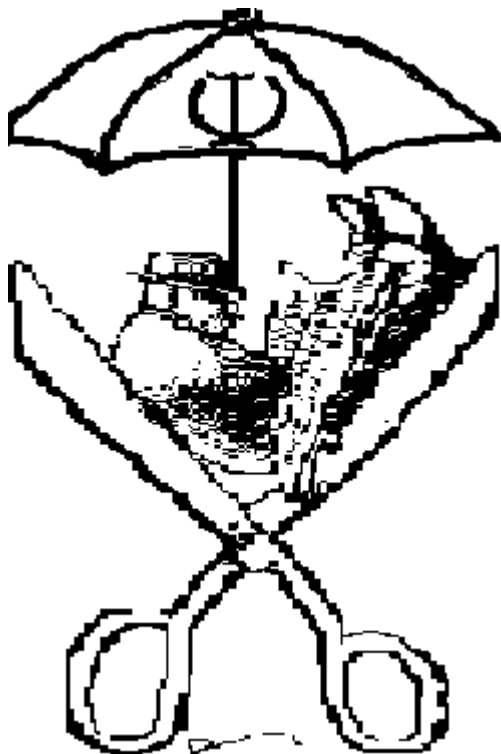
یکشنبه ۳ شهریور بنا به گزارش کیهان محمد رضا بختیاری رئیس سازمان زندانها در دومین همایش مشترک مسئولان آموزش زندانهای کشور اعلام کرد، در قوانین برای بیش از ۲۰۰ عنوان جرم مجازات حبس در نظر گرفته شده است که این امر برای خانواده های زندانیان مشکلاتی به وجود آورده است.

وی می گوید، برای تغییر نگرش زندانبانان نسبت به زندانیان "مدارس راه تربیت" تأسیس شده است. وی همچنین گفت: "۱۱۲ هزار نفر از زندانیان متأهل هستند" و... "۹۵٪ در صد از زندانیان قابل اصلاح هستند بطوریکه ۴۶ هزار نفر از زندانیان خود در کلاسهای آموزشی قرآن شرکت کردند و هم اکنون ۱۵۰۰ زندانی حافظ یک تاسی جز قرآن هستند."

*** **

هفته نامه " نامه قزوین" توقیف شد

هفته نامه " نامه قزوین" توسط دادگاه عمومی شعبه ۱۸ قزوین توقیف شد. روابط عمومی دادگستری قزوین با انتشار اطلاعیه ای علت توقیف این هفته نامه را درج مقالات، گزارش ها و مطالب توهین آمیز به اشخاص حقیقی و حقوقی و نشر اکاذیب و ایجاد تشویش عمومی عنوان کرد.



تجمع اعتراضی ۱۳۰۰ کارگر در مقابل استانداری کرمانشاه

همزمان با سفر کروی رئیس مجلس شورای اسلامی ۱۳۰۰ نفر از کارگران بیکار شده فرش غرب و کارگران کارخانه نساجی کرمانشاه در اعتراض به عدم دریافت حقوق معوقه خود در برابر استانداری تجمع اعتراضی کردند. کارگران که عموماً ۳ الی ۶ ماه حقوق دریافت نکرده اند خواستار رسیدگی به وضع معیشتی خود شدند و اعلام کردند در صورت عدم دستیابی به خواسته های خود اعتراضاتشان را همراه با خانواده هایشان ادامه خواهند داد.

* * * * *

زد و خوردهای خونین در زور آباد کرج

بنا به گزارش پیک ایران روز پنجشنبه زور آباد کرج شاهد زد و خوردهای خونین بین نیروهای پلیس و مردم خشمگین بود. مأموران دولتی و شهرداری کرج بار دیگر می خواستند خانه های بدون مجوز ساخت را خراب کنند. که با عکس العمل مردم مواجه شدند. مردم این منطقه با ابتدائی ترین ابزار سعی کردند از خانه های خود دفاع کنند که در این درگیریها عده ای دستگیر شدند که از سرنوشت آنان خبری در دست نیست.

* * * * *

نشریات کارکمونیستی، ریگای که ل، جهان
کمونیستی و آخرین اطلاعاتی های سازمان را از
آدرس قرقه سازمان در اینترنت دریافت کنید

آدرسها و شماره فاکس سازمان

اتحاد فدائیان کمونیست

Kar-Co

Box 10063 S - 400 70

Göteborg / Sweden

فاکس روابط عمومی

+(46)317792571

آدرس پست الکترونیکی سازمان

webmaster@fedayi.org

آدرس پست الکترونیکی نشریه

jahan@fedayi.org

آدرس غرفه سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

www.fedayi.se

۴ نفر کشته ۹ نفر زخمی و ۳۰۰ نفر بازداشت

یکشنبه ۱۰ شهریور مردم خشمگین شهرستان کنارک در استان سیستان و بلوچستان به ساختمان دادگاه حمله برده و در و پیچره های آن را می شکنند.

بنا به گزارشات یک افسر نیروی هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این منطقه دختر بچه ۹ ساله ای را مورد تجاوز قرار می دهد. با فریاد دختر بچه عابران متوجه شده و مردم این افسر را دستگیر و به دادگاه تحویل می دهند. در حالی که پزشکی قانونی مورد تجاوز را تأیید می کند مردم منتظر در جلوی دادگاه متوجه رهائی افسر یاد شده می شوند. مردم دست به اعتراض زده و در و پیچره های دادگاه را می شکنند و نیروهای انتظامی متقابلاً به سرکوب و ضرب و شتم مردم پرداخته و با شلیک هوایی مردم را از محل دور می کنند. مردم معترض از این وضعیت عصبانی شده و به خودروهای بخشداری حمله می کنند و سپس در سطح شهر دست به راهپیمائی زده و شیشه های بانک ملی را می شکنند. نیروهای انتظامی شهر چاه بهار همراه با دیگر نیروها به این حرکت اعتراضی یورش برده و بطرف مردم تیر اندازی می کنند که ۴ نفر از اهالی کنارک کشته و ۹ نفر مجروح که در بین آنان سه نفر زن دیده می شود و تعداد زیادی نیز دستگیر می شوند. از همان روز شهر کنارک تحت کنترل نیروهای انتظامی و یگانهای ویژه در آمده و اقدام به دستگیری ۳۰۰ نفر از مردم شهر می کنند. همچنین در شب و روزهای بعد نیروهای انتظامی با یورش به خانه های مردم اقدام به دستگیری جوانان می کنند که اطلاع دقیقی از دستگیریها در دست نیست.

* * * * *

روابط مخفی رژیم سر از زنجیر تانک و نفربر اسرائیل درآورد

پنجشنبه ۲۹-۸ صدای اسرائیل از توقیف کشتی حامل زنجیر و لوازم یدکی تانک و نفربر ساخت اسرائیل و فروش آن به ایران خبر داد.

گمرک هامبورگ در آلمان اعلام کرد. لوازم یدکی تانک محموله کشتی اسرائیلی قرار بود پس از انتقال به کشتی دیگری بطرف ایران، بندر هامبورگ را ترک کند. ولی بعد از بررسی اسناد و مدارک از ارسال آن بطرف ایران جلوگیری و محموله به سوی بندر حیفا در اسرائیل باز گردانده شد.

شرکت خصوصی "پ آد" با مدیریت "واین اشتاین" که با مجوز قبلی وزارت دفاع اسرائیل اقدام به این عمل کرده بود و مقصد آن را در اسناد و مدارک ارائه شده به وزارت دفاع اسرائیل، تایلد عنوان شده بود. مقامات اسرائیل اعلام کرده اند که تمامی مدارک و اسناد نشان از صدور محموله به کشور تایلد بوده و طرف قرارداد آن یک شرکت تایلدی است که می تواند محموله خریداری شده را به هر کسی و به هر کشوری که بخواهد بفروشد.

همچنین بنا به گزارش همین رادیو در سال ۱۹۹۸ یک بازرگان اسرائیلی به اتهام فروش مواد شیمیائی به ایران که از آن برای ساخت گاز سمی بهره گیری می شود، به ۱۶ سال زندان محکوم شده و هنوز در زندان بسر می برد.

لازم به یاد آوری است که حمید رضا عاصفی یکی از سخنگویان رژیم بلافاصله اعلام می دارد: "ایران هیچگونه روابطی با اسرائیل ندارد".